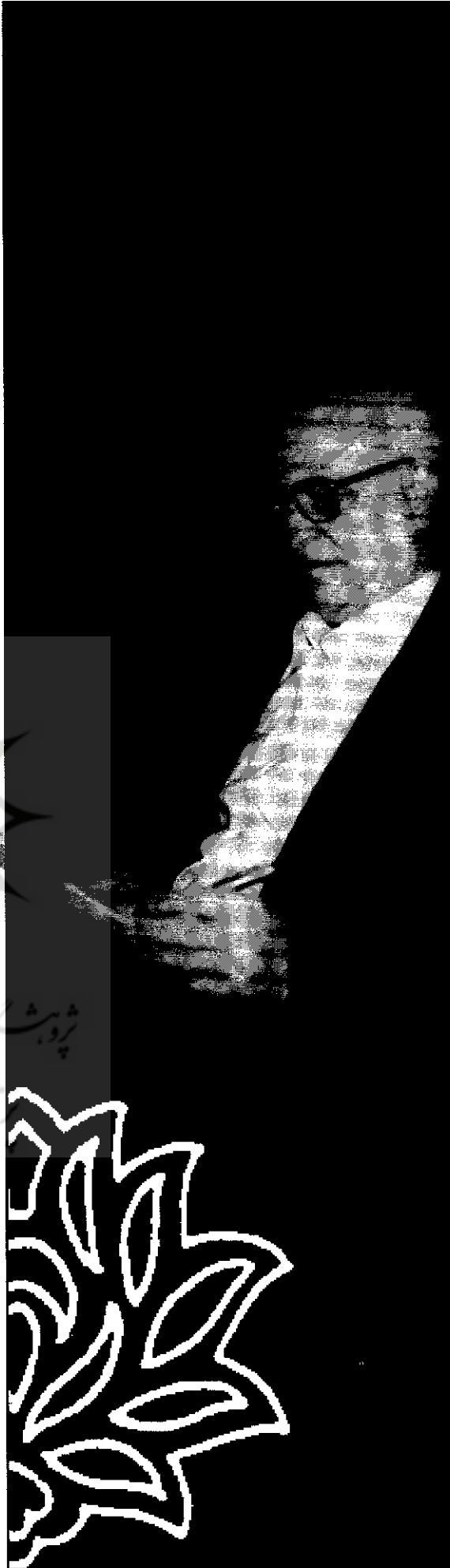


گفت و گو درباره دیدگاه ها فکرش ها و تأثیرات علمی و اخلاقی مرحوم دکتر حسین شکویی

اشاره

وقتی نام دکتر شکویی مطرح می‌شود، هر جغرافیادانی در این مرز و بوم، تصویری از کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و کلاس‌های او در ذهن خود مجسم می‌کند. تصویری از مفاهیم ارزنده‌ای چون فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی، مکتب‌های جغرافیایی، اکولوژی اجتماعی، عدالت فضایی، جغرافیای کاربردی، پارادایم‌های جغرافیا، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری و... بدون شک هر کدام از جغرافیادانان و همچنین جغرافیای‌خوانان ایرانی بد نوعی از آثار و تالیفات دکتر شکویی بهره گرفته‌اند.

دکتر شکویی در سال ۱۳۱۲ در شهر تبریز متولد شد، دوره دبستان تا دبیرستان را در شهر تبریز گذراند. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تبریز، مدرک کارشناسی خود را با رتبه اول در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۷ اخذ کرد، مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز در همان رشته با رتبه اول در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ و مدرک دکترای تخصصی خود را در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه استانبول در سال ۱۳۵۷ دریافت کردند.



استاد شکویی در طول دوران پر بار خود که لحظه به لحظه آن صرف پژوهش و تحقیق در مباحث جغرافیا شد، بیش از دیگر جغرافیادانان ایرانی مقاله و کتاب به چاپ رسانید. مهمترین کتاب‌های ایشان از بنو ورود به دانشگاه تبریز تا زمانی که در دانشگاه تربیت مدرس بودند عبارتند از:

۱- فلسفه جغرافیه انتشارات دانشگاه تبریز، که بعدها انتشارات گیتاشناسی آن را تجدید چاپ کرد و اکنون چاپ دوازدهم کتاب منتشر شده است. اولین چاپ کتاب در سال ۱۳۴۹ بوده است.

۲- جغرافیای شهری، جلد اول و دوم، دانشگاه تبریز. این دو کتاب اکنون در دانشگاه پیام نور تدریس می‌شوند. چاپ اول این دو کتاب در سال ۱۳۵۲ بوده است.

۳- شهرک‌های جدید، ۱۳۵۳، دانشگاه تبریز، این کتاب اکنون بسیار نایاب است.

۴- حاشیه‌نشینیان شهری، ۱۳۵۵، دانشگاه تبریز، از اولین کتاب درباره اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی در ایران است. این کتاب نیز اکنون نایاب است.

۵- جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۶۵.

۶- مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، تبریز، فروردین ماه ۱۳۵۴، این کتاب نیز بسیار نایاب است.

۷- محیط زیست شهری، ۱۳۵۵، دانشگاه تبریز، این کتاب نیز نایاب است.

۸- جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی، اولین کتابی است در ایران که به مفاهیمی چون «گتوهای شهری» می‌پردازد. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۶۶ بوده و تاکنون چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

۹- دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.

۱۰- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیه

جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
۱۱- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیه جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.

نگاهی گذرا به کتاب‌های استاد فقید، دکتر شکویی نشان می‌دهد سه حوزه اصلی مورد علاقه استاد بوده است که عبارتند از: «فلسفه علم جغرافیا و دیدگاه‌های نظری و مکاتب جغرافیایی در این رابطه»، «جغرافیای کاربردی» و «جغرافیای شهری با تأکید بر فقر شهری».

از استاد شکویی حدود ۵۰ مقاله علمی نیز به جای مانده است که گنجینه ارزشمندی از مطالب علمی در حوزه جغرافیا است.

دکتر شکویی مقالات خود را بیشتر در پنج مجله «رشد آموزش جغرافیا»، فصلنامه مدرس، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران به چاپ رسانده است.

فهرست مقالات استاد به شرح زیر است:

۱- مجله رشد آموزش جغرافیا
● تحلیل اکولوژیک و فلسفه جغرافیا، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۶۹.

● بررسی نظریه‌های مربوط به پیدایش نخستین شهرها، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۶۷.

● جغرافیا در ژاپن، سال اول، شماره ۴، ۱۳۶۴.

● پاسخی به همراه تشکر به استاد گنجی، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۷۱.
چالش‌ها و واقعیت‌ها: در جست و جوی یک تعریف جدید از جغرافیا، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۷۱.

● ضرورت تغییر برنامه‌های جغرافیا در دانشگاه‌ها (طرح پیشنهادی)، سال اول، شماره ۲، ۱۳۶۴.

● نقد و بررسی کتاب و مقاله، شماره ۱۱، ۱۳۶۶.

- نقد و بررسی کتاب و مقاله (مفاهیم تازه‌ای از چشم‌انداز جغرافیایی)، شماره ۱۳، ۱۳۶۷.
- نقد و بررسی کتاب و مقاله، شماره ۱۲، ۱۳۶۶.
- نقد و بررسی کتاب و مقاله، شماره ۱۴، ۱۳۶۷.
- نقد و بررسی کتاب و مقاله، شماره ۱۸، ۱۳۶۸.
- پاسخگویی به نقد و بررسی کتاب و مقاله، شماره مسلسل ۱۷، ۱۳۶۸.
- پاسخ به نویسنده محترم دیدگاهی تازه از جغرافیا، شماره ۱۵، ۱۳۶۷.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، سال اول، شماره ۳، ۱۳۶۴.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، سال اول، شماره ۲، ۱۳۶۴.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، سال اول، شماره ۱، ۱۳۶۴.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، سال اول، شماره ۱، ۱۳۶۴.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، سال اول، شماره ۴، ۱۳۶۴.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۱۱، ۱۳۶۶.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۱۳، ۱۳۶۷.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۱۲، ۱۳۶۶.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۱۴، ۱۳۶۷.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۶، ۱۳۶۵.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۸، ۱۳۶۸.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۹، ۱۳۶۶.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان، شماره ۱۰، ۱۳۶۶.
- جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۴، ۱۳۷۶.
- استراتژی توسعه و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳، بهار ۱۳۷۰.
- کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای - مورد نجف‌آباد و خمینی شهر، اشرف‌السادات باقری، شماره ۷، دوره دوم، ۱۳۷۷.
- الگوی مناسب مکان‌گزینی مراکز خدمات شهری، دوره دوم، شماره چهارم، ۱۳۷۶.
- شناخت الگوی فضای توریستی شهر اصفهان با استفاده از سیستم GIS، دکتر حسین شکویی، علی موحد، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۸۱.
- تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی (مطالعه موردی پروژه نواب) دکتر حسین شکویی، جلال تبریزی، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۲.
- تحلیل درباره به کارگیری پردازش تصاویر آن - لاین در طرح‌های برنامه‌ریزی شهری کلانشهر. تهران، اکبر کیانی، اکبر پرهیزکار، حسین شکویی، محمد حسن قاسمیان یزدی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۸۳.
- ۳- نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز
- آینده شهرها و توسعه شهری، شماره ۱۳۱، بهار ۱۳۶۳.
- جغرافیای پزشکی و روش تحقیق در آن، شماره ۱۱۵، پاییز ۱۳۵۴.
- جغرافیای جنایت، شاخه جدید در دانش جغرافیا، شماره ۱۲۱، بهار ۱۳۵۶.
- جغرافیای کاربردی و حدود قلمرو آن، شماره‌های ۱۲۸ - ۱۲۹، تابستان و پاییز ۱۳۶۲.
- کاربردها و تحولات جغرافیای انسانی پنج سال گذشته، شماره ۱۲۵، بهار ۱۳۵۷.
- ابعاد مسائل دریای خزر، میکلین فیلیپ، ترجمه حسین شکویی، شماره ۱۰۹، بهار ۱۳۵۳.
- محیط زیست شهری، ۱۳۵۸.
- سیر تکوینی جغرافیای شهری، ۱۳۵۰.
- مقدمه‌ای بر جغرافیای شهری، شماره مسلسل ۷۳، پاییز ۱۳۴۶.
- حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، شکویی، شماره ۱۷، سلسله شهرشناسی ۵.
- فصلنامه تحقیقات جغرافیایی
- جغرافیا و پست مدرنیسم، شماره پیاپی ۶۴ - ۶۳، سال شانزدهم، شماره ۴ - سال هفدهم، شماره ۱.
- جغرافیا و مذهب، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۷۲.
- نظریه‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی در تبیین مسائل شهری، شماره ۳۲، بهار ۱۳۷۳.
- تحلیل تحولات بازار نیروی کار شهرهای میانی کشور در فاصله سال‌های ۷۵ - ۱۳۳۵، دکتر حسین شکویی، دکتر یعقوب زنگنه، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۲.
- ۵- مجله پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران
- تحلیلی بر ماهیت جغرافیا در مکتب علم فضایی، شماره ۲۶، شهریور ۱۳۶۹.
- تحلیلی بر انتقال مراکز اداری - سیاسی کشور (تهران)، شماره ۲۹، تیر ۱۳۷۱.
- سنجش پایداری اجتماعی شهر قم، دکتر حسین شکویی، دکتر سید مهدی موسی کاظمی محمدی، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۸۱.
- جغرافیای انتقادی، دکتر حسین شکویی، ضمیمه اسفند ۱۳۸۱.
- همچنین باید اشاره کرد که دکتر شکویی راهنمایی پانزده رسالهٔ دکتر، بیش از بیست پایانهٔ کارشناسی ارشد را برعهده داشته‌اند. دو اثر استاد «جغرافیای اجتماعی شهرها» و «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری» در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۶۷ برندهٔ جایزهٔ کتاب برگزیدهٔ سال شد. به پاس زحمات او در سال ۷۲ - ۱۳۷۴ استاد نمونه دانشگاه‌های کشور شناخته شد و در سال ۱۳۸۲ به عنوان چهرهٔ ماندگار علم جغرافیا از سوی وزارت علوم معرفی شد.

گفت و گو



به منظور گرامی داشت یاد و تلاش‌های عالمانه دکتر شکویی و شناخت بیشتر دیدگاه‌های آن استاد فقید، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، میزگردی با عنوان «دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و تأثیرات علمی و اخلاقی دکتر شکویی» با حضور چند تن از استادان جغرافیا برگزار کرد تا در این رابطه هم‌اندیشی کنند. مدعوین این میزگرد عبارت بودند از:

▶ دکتر اصغر نظریان، دکتر در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران.



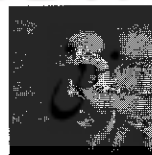
▶ دکتر سیاوش شایان، دکتر در جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی ژئومورفولوژی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران.



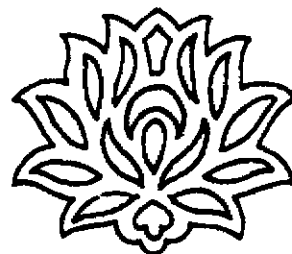
▶ دکتر حسین حاتمی‌نژاد، دکتر در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.



▶ آقای کیومرث ایراندوست، دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیأت علمی دانشگاه سنندج



▶ محمد حسین یوجانی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، کارشناس مسائل شهری.

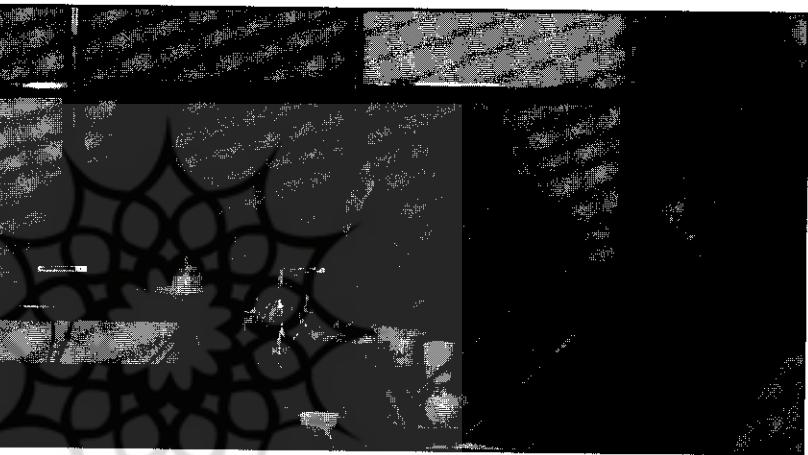


مباحث مطرح شده در این میزگرد در اینجا به استحضار خوانندگان کتاب ماه و علاقه‌مندان به جغرافیا می‌رسد:

بوچانی: همانطور که میهمانان گرامی مستحضر هستند، دکتر شکویی یکی از پیشگامان علم جغرافیا در ایران بود و برخی از حوزه‌های جغرافیا چون فلسفه جغرافیا و اکولوژی اجتماعی، با حضور ایشان در گروه‌های جغرافیای دانشگاه‌ها فعالیت خود را شروع کرد. به عنوان نخستین پرسش این سؤال مطرح می‌شود که نقش علمی دکتر شکویی در رشته‌های جغرافیایی دانشگاه‌های ایران را چگونه می‌توان ارزیابی کرد و دکتر شکویی در پیشبرد دانش جغرافیا در ایران چه نقشی داشته است؟

دکتر نظریان: البته نیاز است این نکته گفته شود که من به عنوان دانشجو و پیرو ایشان همیشه در دوران فعالیت و کار تحقیقاتی‌ام از راهنمایی‌های ایشان بسیار استفاده کرده و می‌کنم. بر این اساس وظیفه خود می‌دانم که یاد و خاطره ایشان را گرامی بدارم. در مورد مشرب فکری دکتر شکویی بایستی عرض کنم که مشرب فکری ایشان را باید

آقای ایراندوست:
در یکی از آثار که چند سال پیش از دکتر شکویی منتشر شد سه سؤال اساسی مطرح شده بود، چه نوع جغرافیایی؟ برای چه زمانی؟ و برای کدام ملت؟



به عنوان یک بحث روانشناختی مورد بررسی قرار داد. ایشان انسانی محبوب، والا و در عین حال حساس بودند. این حساسیت و نکته‌بینی باعث شده بود که ایشان گرایشی متفاوت‌تر از بقیه بزرگان جغرافیا داشته باشند. تفاوت آن است که دکتر شکویی مباحث و مطالب جغرافیایی را در قالب مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌دیدند و مسایل را در چارچوب بازدهی و سودآوری که برای جامعه داشتند، از منظر عدالت اجتماعی بررسی می‌کردند.

هدف ایشان آن بود تا با این تحلیل‌ها، بتوانند جامعه متعادل و مطلوبی را در منطقه کاری خویش ایجاد کنند. ما همیشه در تحقیقات ایشان احساس می‌کردیم که در زمان بررسی به نکات تاریک و حساسی پرداخته شود که در جامعه نمود عینی دارند. به عبارت دیگر آنچه که در جامعه به عنوان مسأله‌ای انسانی ناخوشایند و ناراحت‌کننده بود از نگاه ایشان دور نمی‌ماند. به عنوان مثال در کتاب، اکولوژی اجتماعی شهرها یا جغرافیای اجتماعی شهرها، وقتی به گتوها و گدایان شهری می‌رسند، در این مورد بحث طولانی و مفصل می‌شود و تلاش می‌کنند با عکس‌های گوناگون این مسایل را که اکنون گریبانگیر جامعه است به خوبی نشان دهند. دقت در این مسایل بیانگر حساسیت ایشان به مسایل اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه‌های مختلف است. فقر هم یکی از مسایل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که ایشان به آن پرداخته‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان نوآوری بود. من از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ دانشجوی دانشگاه تبریز بودم. در دو سال آخر تحصیل که دکتر شکویی از دانشگاه تهران برای تدریس به آنجا آمده بود، احساس می‌کردیم که واقعاً روش تدریس ایشان بسیار متفاوت از بقیه اساتید است. مثلاً ایشان برای نخستین بار مبحث «فلسفه جغرافیا» را مطرح نمودند، مبنی بر اینکه فلسفه جغرافیا چیست؟ ایشان با این کار سعی می‌کردند به دانشجویان جغرافیای خود

دکتر حاتمی‌نژاد:
دکتر شکویی جغرافیادانان ایرانی را با مکاتبی غیر از مکاتب‌های حاکم بر جامعه دانشگاه‌های ما آشنا نمودند. پارادایم حاکم بر آن زمان عمدتاً از مکتب آلمان و فرانسه سرچشمه می‌گرفت و ما با افکار دنیای آنگلوساکسون‌ها آشنا نبودیم، چون اکثر اساتید ما تحصیل کرده آلمان یا فرانسه بودند. به نظر من استاد در این عرصه قدم بسیار بزرگی برداشتند

بیاموزند که اصلاً برای چه جغرافیا می‌خوانند. این بحث منتج به نوشتن کتابی شد، به نام فلسفه جغرافیا. دکتر گنجی از این کتاب تجلیل کرده‌اند و همیشه بیان می‌کنند «این جای خوشحالی است که یک جغرافیادان کتابی را نوشته، که همه مسایلی را که تا الان مطرح و دنبال می‌کردیم، به صورت یکجا جمع کرده و آن را انتشار داده است، مبنی بر اینکه اصلاً ما چرا جغرافیا می‌خوانیم» فلسفه جغرافیا در حقیقت این است که ما چرا جغرافیا می‌خوانیم و در این علم دنبال چه چیزی باید بود.

این نوآوری‌ها و ابتکارات همیشه مورد توجه دکتر شکویی بود. مثلاً ایشان به شهر توجه زیادی می‌کردند، چرا که شهر و چالش‌های فراروی آن در نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی برای کشورها «حتی کشورهای توسعه یافته» مسائلی را به وجود آورده بود که با مشکلات قبلی قابل مقایسه نبود. به عبارت دیگر در ایران نیز از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد شهرنشینی دچار تنش‌هایی می‌شود که در گذشته با آن روبه‌رو نبوده‌ایم. در این دوران سیستم «بولدوزر» (نوسازی در شهرها به وسیله طرح‌های جامع و تفصیلی که سبب شد بافت ارگانیک شهرهای ایران از هم پاشیده شود و همچنین ورود ماشین و نیاز به عبور و مرور آن که موجب شد فضای اجتماعی و زیستی شهرها از هم گسیخته شود، باعث شد از این دوران شهرسازی در ایران با عنوان دوران و سیستم بولدوزری نام برده شود) نظام شهری را به هم می‌زند و کم‌کم فضای شهری جدید شکل می‌گیرد که یکی از این شکل‌های فضایی، حاشیه‌نشینی «اسکان غیررسمی»^۲ است. گرایش دکتر شکویی بیشتر به چالش‌های فراروی شهر و شهرنشینی است و به این دلیل در دانشگاه تبریز دو کتاب در سال‌های ۲ - ۱۳۵۰ با عنوان جغرافیای شهری تألیف کردند و در این دو کتاب مطالب تازه‌ای بیان کردند.

البته بایستی گفته شود که این مطالب به این معنا نیست که دیگران در این حوزه کار نکرده‌اند. مثلاً در دانشگاه تبریز در همان زمان اساتیدی بودند از جمله دکتر یدالله فرید که در مبحث جغرافیای جمعیت و جغرافیای تغذیه کتاب‌های کم‌نظیری نوشتند.

از دیگر فعالیت‌های دکتر شکویی، تلاش برای استقلال بخشیدن به علم جغرافیا در ایران است. ایشان ابتدا در تبریز در سال ۱۳۴۴ برای نخستین بار جغرافیا را از تاریخ جدا کردند. در گذشته تقریباً مباحث جغرافیا و تاریخ در یک شاخه مشترک قرار داشت، بایستی گفته شود این دو مکمل هم هستند ولی در عین حال هر کدام برای خود علم مستقلی‌اند و در تکوین هم نقش اساسی دارند.

یکی دیگر از ویژگی‌های دکتر شکویی این بود که در عین حال که به مسایل جهانی و اجتماعی حساسیت داشتند به مسایل شهری هم گرایش داشتند و پس از مدتی در اثر تلاش ایشان این مباحث در تمام گروه‌های جغرافیای دانشگاه‌ها راه یافت و کتاب‌های ایشان در تمام گروه‌های جغرافیایی مورد استفاده دانشجویان قرار گرفت.

دکتر شایان: آشنایی من با دکتر شکویی به سال ۱۳۵۳ برمی‌گردد که من به عنوان دانشجوی جغرافیای طبیعی وارد دانشگاه تبریز شدم و در ترم اول با موضوع فلسفه جغرافیا که توسط دکتر مطرح شده بود روبه‌رو شدم. در این درس ما با ماهیت جغرافیا آشنا شدیم و پیوند فلسفه و جغرافیا را در کلاس‌های ایشان فرا گرفتیم. به این دلیل می‌توان گفت مفهوم واقعی علم جغرافیا و چیستی‌شناسی جغرافیا را از او فرا گرفتیم. کلاس درس فلسفه جغرافیا به قدری برای ما جذاب بود که ما از ۱۰ واحد درس آزاد خود ۸ واحد آن را دروس فلسفه انتخاب می‌کردیم و همه دروس فلسفه نیز با دکتر شکویی بود، دکتر شکویی با این نوآوری ما را از پراکندگی ذهنی نجات دادند. در خلال نوشته‌های شهری ایشان و تئوری‌ها و نظریه‌های شهری ما جغرافیای شهری را آموختیم، این درس نیز از دروس اختیاری دانشجویان رشته جغرافیای طبیعی بود، ولی به دلیل جذابیت این درس به خاطر دارم با اینکه کلاس‌ها حضور و غیاب نداشتند، همه حضور پیدا می‌کردند و استاد در آن دوره به دانشجویان تکالیفی می‌داد که



دکتر نظریان:
دکتر شکویی مباحث و مطالب جغرافیایی را در قالب مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌دیدند و مسائل را در چارچوب بازدهی و سودآوری که برای جامعه داشتند، از منظر عدالت اجتماعی بررسی می‌کردند

اختیاری بود. من هم بازار شهر همدان را به عنوان موضوع تحقیق خود انتخاب کردم. استاد در کنار نوشته‌های من در این تحقیق مطالبی را یادداشت کرده بودند، و راهکارهایی را یادآوری نموده بودند. من این تحقیق و نوشته را امروز پس از سی سال هم چنان برای خود محفوظ نگه داشته‌ام.

زمانی که ایشان در قید حیات بودند نیز در کمیته‌ی واژگان‌گزینی جغرافیایی فرهنگستان مشارکت می‌نمودند و از مفاهیم شهری دفاع و مفاهیم جدید را نیز عرضه می‌کردند. در حوزه فلسفه حساسیت خاصی داشتند و کتاب‌های متعددی در این زمینه نوشته‌اند. هنگامی که ما از ایشان می‌پرسیدیم که علاوه بر جغرافیا به چه علم دیگری علاقه‌مند هستید، ایشان می‌گفتند: به فلسفه به عنوان علم برگزیده علاقه‌مند هستم.^۲

دکتر هاتمی‌نژاد: بنده قبل از هر چیز می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که سایر استادان و جغرافیادانان نیز دارای ارزش هستند و ما مدیون الطاف آنها هستیم. همان‌طور که دکتر نظریان فرمودند در دانشگاه تبریز تنها استاد شکویی نبوده‌اند که دارای مقام علمی برجسته‌ای بودند. اساتید گرانقدری چون دکتر فرید، دکتر آسایش و دکتر ودیعی نیز بودند که در پیشبرد علم جغرافیا دارای سهم عمده‌ای هستند.

در سال ۱۳۴۴ که جغرافیا و تاریخ از یکدیگر جدا شدند، دکتر سیروس سهامی چندین کتاب فقط در خصوص فلسفه جغرافیا نوشتند و ترجمه نمودند. در دانشگاه شهید بهشتی آقای دکتر جزئی بودند و در دانشگاه تهران دکتر ودیعی و گنجی از بزرگان این رشته‌اند. اگر ما امروز درباره دکتر شکویی صحبت می‌کنیم به این دلیل نیست که ارزش این اساتید را نادیده می‌گیریم.

نحوه آشنایی من با آقای دکتر شکویی به سال ۱۳۵۳ برمی‌گردد که ایشان به دعوت گروه جغرافیای دانشگاه مشهد به آنجا آمده بودند و در مورد حاشیه‌نشین‌های شهر تبریز سخنرانی نمودند. این سخنرانی سال‌ها بعد به صورت مقاله چاپ شد. سخنرانی استاد در این همایش مملو از احساسات عالی انسانی و همراه با یک نگرش خوب و عمیق نسبت به عدالت اجتماعی بود و تأثیر زیادی روی من گذاشت به نحوی که انتخاب گرایش تحصیلی من نیز به همین سخنرانی استاد برمی‌گردد.^۳ از مهمترین کارهایی که ایشان انجام دادند، شیوه‌ی درست اندیشیدن بود. دکتر شکویی جغرافیادانان ایرانی را با مکاتبی غیر از مکتب‌های حاکم بر جامعه دانشگاه‌های ما آشنا نمودند.

همان‌طور که می‌دانید پارادایم حاکم بر آن زمان عمدتاً از مکتب آلمان و فرانسه سرچشمه می‌گرفت و ما با افکار دنیای انگلوساکسون‌ها آشنا نبودیم، چون اکثر اساتید ما تحصیل‌کرده آلمان یا فرانسه بودند، به نظر من استاد در این عرصه قدم بسیار بزرگی را برداشته‌اند.

آقای ایراندوست: بنده افتخار حضور در چند سخنرانی دکتر شکویی را داشته‌ام. اما خودم هیچگاه در کلاس‌های درس ایشان حضور نداشته‌ام، ولی از حیث فکری همیشه از تفکرات و دانسته‌های ایشان کمال استفاده را برده‌ام. نکته‌ای که برای من قابل توجه است، دغدغه‌ای بود که آقای دکتر نسبت به مسایل اجتماعی داشتند و همیشه در جست‌وجو برای پیدا کردن راه‌حل‌های جغرافیایی مناسب برای آنها بودند. این مطلب را می‌توان در تک‌تک آثار ایشان دید.

وقتی مقدمه کتاب‌های دکتر را می‌خواندم متوجه می‌شدم، که ایشان همیشه «هدف» از نوشتن اثر را مشخص می‌کردند. در زمانی که دانشجوی کارشناسی بودم، به دلیل آنکه آشنایی چندانی با مباحث فلسفه جغرافیا نداشتیم، رغبت چندانی به این تلاش‌ها نداشتیم. اما پس از اینکه فلسفه جغرافیایی دکتر شکویی و مقالات ایشان را مطالعه کردم به اهمیت فلسفه جغرافیا و تفکر فلسفی در جغرافیا پی بردم و توانستم به خود بقبولانم که جغرافیا هم می‌تواند یک



آقای ایراندوست:

دکتر شکویی بزرگترین مسایل شهری را فقر شهری و نبود عدالت اجتماعی می‌دانند و این نکته را از دهه ۱۳۵۰ تذکر دادند. اکنون مدیریت شهری ما کم‌کم این موضوع را درک نموده و به آن بسیار جدی‌تر از گذشته نگاه می‌کند

رشته کارآمد باشد. بعدها به این موضوع که به دنبال راه‌حل‌های جغرافیایی برای مشکلاتمان باشیم پی بردم که در اکثر نوشته‌های استاد به آن اشاره شده است.

در یکی از آثاری که توسط دکتر شکویی چند سال پیش به چاپ رسید، ایشان این سؤال را مطرح می‌کنند که «جغرافیادانان کشورهای جهان سومی و کشور ما به راستی چه چیزهایی را باید مد نظر بگیرند؟» سپس سه سؤال دیگر مطرح می‌کنند، مبنی بر اینکه، چه نوع جغرافیایی و برای چه زمانی و برای کدام ملت؟ که این هر سه در راستای همان جغرافیای کاربردی است که مرتب به آن اشاره می‌کنند. اثر مستقلی نیز در این زمینه به نام جغرافیای کاربردی و مکاتب جغرافیایی تألیف کرده‌اند.

ساختار آثار ایشان به نظر من در راستای پاسخ دادن به این پرسش است، که ما چه نوع جغرافیایی می‌خواهیم. تأکید ایشان بر شناخت پایه‌های اساسی مسایل جغرافیایی نهایتاً منجر به جغرافیای کاربردی می‌شود که در آن جغرافیادانان نیز در حل مسایل اجتماعی سهمی را بر عهده دارند.

شهرنشینی یکی از مسایلی است که دکتر روی آن تأکید می‌کردند و اعتقاد داشتند که شهرنشینی امروز، یکی از مشکلات اساسی ما است که باید برای آن راه‌حل‌های مناسبی پیدا نمود. تأکید ایشان بر مشکلات شهری از جمله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی تبریز کاملاً بیانگر این دغدغه است. ایشان بزرگترین مسایل شهری را در این دوره فقر شهری و نبودن عدالت اجتماعی می‌دانند و این نهمین را از دهه ۱۳۵۰ سردادند. مدیریت شهری ما کم‌کم این موضوع را درک نموده و اکنون به آن بسیار جدی‌تر از گذشته نگاه می‌کند.^۹

در بحث راجع به اینکه چه جغرافیایی برای چه ملتی کاربرد دارد؟ روی این موضوع تأکید می‌کند که الگوبرداری صرف از جهان غرب و شرق دواي درد ما نیست، بلکه ما باید نظریه‌های مختلف را بشناسیم، مفاهیم را درک کنیم و سپس آنچه که منطبق بر شرایط محلی و بومی خودمان است مورد استفاده قرار دهیم.

هر جغرافیادانی ممکن است برای ملت خود و مسایل آن راه‌حل‌های متفاوتی ارائه دهد، ولی نکته مهم این است که باید آن راهکارها منطبق بر شرایط بومی آن ملت باشد. لازم به ذکر است در مورد آثارش هم اجتماعی و عدالت اجتماعی و فضایی در اکثر مواقع منبع اصلی جغرافیادانان از جمله خود من، آثار دکتر شکویی است. به راستی باید اذعان کرد به دلیل ضعف استفاده از زبان خارجی همیشه آثار دکتر شکویی راهنمای خوبی در این مباحث‌اند.

نکته آخری که بایستی به آن اشاره کرد این است که دکتر شکویی همیشه در مقالات و کتاب‌های خود مباحثی را مطرح می‌کردند که قابل بررسی و پیگیری بود. در هر صورت مهمترین هدفی که ایشان داشتند نزدیک شدن فلسفه و جغرافیای کاربردی بود.

آقای بوجانی: به هر صورت هر پژوهشگر و محقق از زمان شروع به کار تا آخرین کلمه‌های خود با توجه به گذر زمان و تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... متأثر از نگرش‌ها و ایده‌هایی می‌شود. لطفاً به عنوان سؤال دوم بفرمایید این موضوع در رابطه با دکتر شکویی با توجه به تجربه زندگی علمی در دو دوران قبل و بعد از انقلاب چگونه تحلیل می‌شود؟

به عبارت دیگر دوران جوانی استاد در تبریز و قبل از انقلاب با شرایط خاص اجتماعی - فرهنگی و سیاسی همراه بوده و دوران میانسالی و کهولت استاد در تهران و در دانشگاه‌های تهران بعد از انقلاب با شرایط خاص کنونی همراه بوده است. سیر اندیشه و تفکرات ایشان را در پیوند با این تحولات چگونه ارزیابی می‌کنید. در ابتدا به چه مسایلی تأکید داشتند و تحت تأثیر چه اندیشه‌ای بودند و بعدها این عوامل فکری چگونه تداوم یافت؟

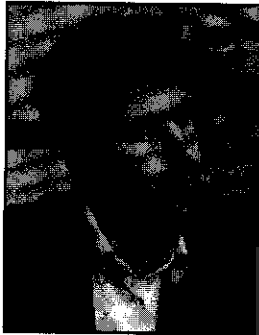
دکتر نظریان: بحث در مورد سیر تحول اندیشه‌های دکتر شکویی مشکل است. علیرغم



دکتر حاتمی‌نژاد:

مقوله برنامه ریزی شهری یک دانش میان رشته‌ای و متشکل از جغرافیا، اقتصاد، سیاست، حقوق، معماری، شهرسازی، عمران و جامعه‌شناسی است. آن قسمتی که مربوط به جغرافیا می‌شود توسط دکتر شکویی در مدت ۳۰ سال گذشته به خوبی حمایت شده است

همهٔ اتفاقاتی که رخ داد و منجر به تشکیل دانشگاه تربیت مدرس شد، اصولاً تفکر و اندیشهٔ ایشان تداوم اندیشه‌های دوران قبل از انقلاب است. تا آنجا که من به خاطر دارم ایشان از نظر اندیشه و تفکر همیشه سیر صعودی داشته‌اند. به عبارتی آنچه را که ابتدا فکر می‌کردند در زمان‌های بعدی همان موضوع را ادامه می‌دادند. به عنوان مثال در زمینهٔ فلسفه جغرافیا که به چستی جغرافیا و کاربرد آن می‌پردازد. از ابتدای ورود به دانشگاه تا آخر عمر همواره به آن می‌پرداختند. مثلاً کتاب دوم و سومی که در باب فلسفه جغرافیا نوشتند سیر تکوینی دانش ایشان را نشان می‌دهند. یا به عنوان مثال در جلد اول و دوم کتاب جغرافیای شهری مباحثی را مطرح کردند که در کتاب دیدگاه‌های نو جغرافیای شهری آن را ادامه دادند و حتی مطالب تازه‌ای هم در آن به چشم می‌خورد. دکتر شکویی مرد سیاست نبود ولی با سیاستمداران و رفتارهای سیاسی و تفکرات سیاسی کاملاً آشنایی داشت. یعنی به درستی می‌دانست که در یک نظام دیکتاتوری، دموکرات و یا نظام سوسیالیستی چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و چه مسایل جغرافیایی پیش می‌آید. به عبارت دیگر استاد از سیاست و مسایل سیاسی و اثرات آن در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری کاملاً مطلع بودند.



آقای بوچانی:

در شرایط کنونی که جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در اکثر گروه‌های جغرافیایی دانشگاه‌های ایران در حال شکل‌گیری است و یا پیش از این شکل گرفته است، دکتر شکویی بدون شک نقشی اساسی داشته‌اند و آثار ایشان در تحکیم پایه‌های این رشته دانشگاهی از جایگاه شایسته و مستحکمی برخوردارند

به نظر من زندگی و اندیشه و آثار دکتر همیشه سیری تکوینی داشته است و حتی برخی مواقع نسبت به آثار گذشته‌اش مثل فلسفه جغرافیا عنوان می‌نمایند که چیزهای جدیدتری هم هست که در آن اثر نیامده است و بایستی مورد توجه قرار گیرد. اگر تمام نوشته‌های دکتر شکویی را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که این کتاب‌ها مملو از نظریات و افکار مشرب‌های مختلف فکری دنیا به‌خصوص دنیای انگلوساکسون است. همان‌طور که دکتر حاتمی‌نژاد اشاره کردند توسعه دهنده افکار این مشرب فکری در ایران آثار شکویی است.

دکتر شایان: از ویژگی‌های بارز دکتر شکویی روحیه لطیف انسانی ایشان بود. تقریباً می‌شود گفت همهٔ انسان‌هایی که روی کرهٔ زمین زندگی می‌کنند را دوست داشتند و به همهٔ آنها به چشم انسان نگاه می‌کردند. این علاقه فارغ از مکتب، رنگ و ایدئولوژی و زبان و مکان جغرافیای آنها بود.

یکی از خطوط اصلی تمام آثار دکتر شکویی عشق‌ورزی و علاقه به انسان است. این عشق و علاقه به انسان همچون یک رشتهٔ مستحکم تمام نظریه‌ها، تئوری‌ها و نوشته‌های استاد را به هم پیوند می‌دهد. وقتی کتاب‌های دکتر را می‌خوانیم، درمی‌یابیم که هر جا به یک مکتبی برخورد می‌شود که به انسان با یک حالت خوب و انسانی نگریسته نمی‌شود، قلم دکتر برمی‌آشوبد به شکل دیگری با آن برخورد می‌کند.

و هر جا که با یک ایدئولوژی و مکتب خاصی برخورد می‌شود که نگاه خوب و انسانی با انسان دارد ولو این که اسم آن مکتب آناشیسیم یا هر چیز دیگری باشد، چون نیازهای انسانی، تساوی آنها و علایق انسانی را مد نظر می‌گیرد، قلم استاد نسبت به آن لطیف می‌شود. با این سرخطها به نظر می‌رسد اگر تحول فکری وجود داشته است، در واقع برخورد این روحیهٔ لطیف انسانی با مکتب‌های گوناگون طی زمان‌های مختلف است. مثلاً وقتی ایشان مکتب شیکاگو را در کتاب‌های خود که در مورد فاصله طبقاتی و جدایی‌گزینی است، بررسی می‌کند، برخورد نقادانه علمی با آن دارند به نحوی که با کلمات و جملات نشان می‌دهد که با این نگرش سرسازگاری ندارند. و به طور کلی هر جا که تضاد این نگرش پیش می‌آید نوشته‌های استاد حال و هوای خاص پیدا می‌کند. اگر از کتاب فلسفه جغرافیا در جلد اول برداشت می‌شود که ایشان دچار جبر جغرافیایی است و محیط همه چیز را به انسان تحمیل می‌کند، بعدها اعلام می‌کنند که با این مورد مخالف هستند و اگر این تصور از خواندن کتاب‌های ایشان برای شما خوانندگان ایجاد شده، عذرخواهی می‌نمایند و اذعان می‌کنند هدف این بود که جبر جغرافیایی را در ذهن افراد جا بیندازم. به نظر استاد انسان موجودی است که می‌تواند با اندیشه و تفکر و ابزارش هر چیزی، حتی جبرهای محیطی را بشکند.

از جمله موارد دیگری که در کتاب‌های ایشان می‌بینیم و حتی در توصیه‌های آخری که در مصاحبه‌های خودشان به آن اشاره می‌کردند، مباحث اقتصاد سیاسی و عدالت اجتماعی است که همیشه در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، در برنامه‌ریزی‌های شهری و جغرافیای شهری عوامل تعیین‌کننده به شمار می‌روند.

نگرش ایشان به عدالت اجتماعی نشأت گرفته از نگاه انسانی ایشان به محیط است. تعریف انسان از نظر ایشان یک تعریف روشن و لطیف است و بنیاد فکری ایشان را تشکیل می‌دهد. مخالفت با جبر جغرافیایی بحثی است که از همین اندیشه برمی‌خیزد. این نگرش به دانشجویان ایشان نیز منتقل شده و بیشتر دانشجویان جغرافیای شهری ایشان که فارغ‌التحصیل شده‌اند دارای چنین نگرش انسانی نسبت به مسایل شهری هستند.^۶

دکتر حاتمی‌نژاد: دکتر شکویی را بنا به گفته خود ایشان باید در مجموعه‌ای از ساختارهای فرهنگی و نهادهای حاکم در آن دوره و پس از انقلاب به تحلیل بنشانیم. برخلاف گفته‌های دوستان، من معتقد به وجود شکویی جوان و شکویی پیر هستم. شکویی جوان تا شکویی پیر ۴۰ سال اختلاف دارد. زمانی که ایشان جوان بودند یعنی سال‌های ۴۵ - ۱۳۴۴ در دانشگاه تبریز هنوز مکتب یا پارادایم سازمان فضایی فرد کورت شیفر (c. schaefer) در جهان جغرافیا حاکم بود و هم‌زمان ما در ایران حاکمیت determinism یا «جبر جغرافیایی» داشتیم به طوری که در اولین کنگره جغرافیادانان ایران و دومین و بقیه کنگره‌ها همه نگرش‌ها de-terministic یا جبرگرایی بوده است. خود دکتر شکویی هم در آن زمان از سخنرانان این کنگره‌ها بودند. بنابراین دکتر شکویی هم متأثر از همان ساختار فرهنگی بودند.

زمانی که سال‌ها بعد به دکتر شکویی گفتم شما در کتاب فلسفه خودتان گفته‌اید که بیماری فیل پای متاثر از شرایط اقلیمی هند است، ایشان فرمودند، این مربوط به همان زمان است و اکنون می‌گویم که این یک بیماری اجتماعی است نه یک بیماری طبیعی، ایشان در دوران جوانی تحت‌تأثیر ساختار آموزشی و فرهنگی آن دوره جغرافیا کارشان بیشتر توصیفی، ناحیه‌گرایی، مونوگرافی بود. اما دکتر شکویی پیش پارادایم‌های مختلف را تجربه کرده بودند و به قول دکتر نظریان دوره تکاملی اندیشه خودشان را سپری کرده بودند و معتقد به نظریه‌های اجتماعی، اقتصاد سیاسی و فلسفه سیاسی شده بودند و از دترمینیسم (determinism) کاملاً دور شده بودند و حتی نگرش انسان محیطی را هم زیر سؤال می‌بردند. یعنی به نگرش گریفیت تیلر Griffith Taylor که معتقد به رابطه متقابل انسان و محیط بود یک دید انتقادی داشتند.

بیشتر در راستای تبیین آن قوانین فضایی، فرآیندهای فضایی و مدل‌های فضایی حرکت می‌کردند، در همه این جریان‌ها نوعی انسان‌گرایی نوین مطرح بود که مبتنی بر عدالت اجتماعی است. ایشان در این رابطه، از نسیم جهانی و منابع خارجی هم بی‌نصیب نبودند و به خوبی از این منابع بهره می‌گرفتند و به ندرت از منابع داخلی استفاده می‌کردند. به عنوان مثال من در همه آثارشان که ورق زده‌ام یک منبع از دکتر فرید ندیده‌ام، شاید یکی از انتقادهای که به ایشان وارد است، همین نکته است و بایستی دیگر اندیشمندان ما به آن توجه داشته باشند.

آقای ایراندوست: به نظر من نکته‌ای که دکتر حاتمی‌نژاد گفتند با دیدگاه دکتر نظریان و شایان منافاتی ندارد، آنچه مورد تأکید قرار گرفت این است که دکتر شکویی تفکرات خود را براساس تغییرات روز تغییر نداده است. هر کسی، حتی خود ما هم بنا بر شرایط، با توجه به مطالعات و تجربیاتمان تکاملی در دیدگاه‌ها و نظریات خود داریم. این تکامل نظریات دیرروز و امروز را دچار تغییر می‌کند.

نکته‌ای که در دیدگاه‌های جدید دکتر شکویی قابل ذکر است، این است که جغرافیای نو باید از قطعیت جدا شود و به سمت نسبی‌گرایی برود. ایشان در نوشته‌های خود هیچگاه



دکتر نظریان:

در تحقیقات دکتر شکویی، مشاهده می‌کنیم ایشان به نکات تاریک و حساسی می‌پرداختند که در جامعه نمود عینی داشت. به عبارت دیگر آنچه در جامعه به عنوان مسئله‌ای انسانی ناخوشایند و ناراحت‌کننده بود، از نگاه ایشان دور نمی‌ماند

با قطعیت قضاوت نمی‌کنند و یک نوع تکثرگرایی در دیدگاه‌های ایشان مشاهده می‌شود. خودشان تأکید می‌کنند که یک جغرافیادان خوب با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نباید چیزی را با قطعیت بپذیرد و هیچگاه نباید حکم قطعی بدهد. نکته آخر قابل ذکر، دقت خاص دکتر شکویی نسبت به اکثر نظریات جغرافیادانان است. حتی اگر با آنها مخالف بودند، آنها را بیان می‌کردند، زیرا طرح آنها را برای شکل‌گیری یک پایه تفکر لازم می‌دانستند. به عبارت دیگر ایشان معتقد بود لازم است جغرافیادان، با همه نظریات آشنا شوند و بعد از آشنایی پایه تفکری خود را شکل دهند.

آقای بوچانی: بعد از بررسی سیر تفکرات دکتر شکویی در رابطه با دانش جغرافیا، موضوع بعدی که می‌بایست مطرح شود نقش دکتر شکویی در پیشبرد موضوع برنامه‌ریزی شهری در گروه‌های جغرافیای دانشگاهی است. در شرایط کنونی که جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در اکثر گروه‌های جغرافیایی دانشگاه‌های ایران در حال شکل‌گیری است و یا پیش از این، شکل گرفته است، دکتر شکویی بدون شک نقشی اساسی داشته‌اند و آثار ایشان در تحکیم پایه‌های این رشته دانشگاهی از جایگاه شایسته و مستحکمی برخوردارند.

همه شما اساتید محترم مستحضرید در سال‌های اول شکل‌گیری رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دانشکده‌های معماری و شهرسازی آثار دکتر شکویی مهمترین منبع درسی به شمار می‌رفت. ابتدا از دکتر نظریان خواهش می‌کنم نظرشان را در این مورد بیان فرمایند؟

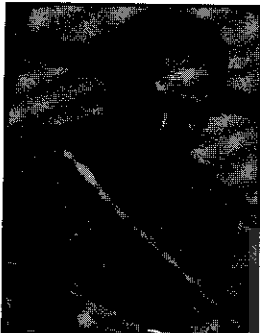
دکتر نظریان: دکتر شکویی توانستند به برخی از مسایل روز جواب بدهند. با اینکه تلاش دکتر شکویی در جااندازی «برنامه‌ریزی شهری» در جغرافیا کم‌نظیر است و کمتر کسی به اندازه ایشان در این زمینه پشتکار و تلاش به خرج داده‌اند، ولی در زمینه برنامه‌ریزی شهری از آقای دکتر شکویی اثری نداریم.

همچنین بایستی گفته شود نقش ایشان در ستاد انقلاب فرهنگی و در برنامه‌ریزی در رقابت‌هایی که به هر حال وجود داشته، در رابطه با تحکیم این رشته، غیرقابل انکار است. می‌دانید که در برنامه‌ریزی شهری جدا از مباحث تئوریک و نظری، روش‌های میدانی و عملی نیز حائز اهمیت است.

دکتر شکویی بیشتر به مسایل فکری و نظری برنامه‌ریزی شهری توجه نشان دادند. به هر صورت با همه اینها تلاش‌های ایشان بود که زمینه فعالیت دانشجویان، اساتید و همکاران را در این زمینه فراهم کرد. با اینکه کار ایشان بیشتر به صورت کیفی دنبال می‌شود ولی هیچگاه استاد نمی‌گفتند که فقط در جغرافیا بایستی به مسایل کیفی پرداخت. بیشترین نقش ایشان در زمینه راه‌اندازی نگرش ترکیبی و سیستمی در برنامه‌ریزی شهری و جغرافیا بود. ایشان سعی می‌کردند با استفاده از افکار و نظریات دیگران مسایل جدید دنیا را مطرح کنند و اگر کم‌توجهی هم به نوشته‌های داخلی داشته‌اند شاید ناشی از این بوده که می‌خواستند مطالب تازه‌تری را در اختیار دانشجویان قرار دهند.

آقای بوچانی: جناب آقای دکتر شایان و جناب آقای دکتر نظریان شما که همکاری حرفه‌ای بیشتری با دکتر شکویی داشته‌اید واقعاً چرا دکتر شکویی در دوران پر بار حیاتشان به مدیریت اجرایی و مدیریت کلان در زمینه امور فضایی و فضای شهری وارد نشدند؟ به نظر شما مسئله حضور اندک و کم‌اثر اندیشمندان این رشته در عرصه مدیریتی، سبب نشده که جایگاه این رشته کم‌رنگ شود؟

دکتر شایان: شاید این به خاطر روحیه خاص ایشان بود که بیشتر جنبه‌های مطالعاتی را مد نظر داشتند. شاید خود من و یا آقای دکتر نظریان همیشه مثل سایر اساتید ترجیح دهیم در گوشه‌ای با نظریات و تئوری‌های مختلف درگیر شویم، تا اینکه وارد میدان عمل و اجرا شویم و فعالیت کنیم.



آقای ایراندوست:

دکتر شکویی در بحث راجع به اینکه چه جغرافیایی برای یک ملت کاربرد دارد؟ روی این موضوع تأکید می‌کنند که الگوبرداری صرف از جهان غرب یا شرق دواي درد ما نیست. بلکه ما باید نظریه‌های مختلف را بشناسیم، مفاهیم را درک کنیم و سپس آنچه منطبق با شرایط محلی و بومی خودمان است مورد استفاده قرار دهیم

دکتر شکویی اگر خود در عرصه مدیریت و اجرا نبودند ولی با تربیت شاگردانی که در این زمینه‌ها وارد میدان شده‌اند این کمبود را جبران نموده‌اند. روحیهٔ ایشان طوری بود که اجرا و مسایل اجرایی را خیلی نمی‌پسندیدند و بالاترین شغل اجرایی که داشتند، معاونت آموزشی دانشگاه تربیت مدرس بود. ولی در مسایل و امور شهری تا آنجا که اطلاع دارم خیلی وارد اجرا نشدند.

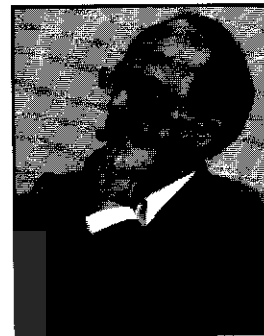
دکتر نظریان: همه این مسایل مربوط به سیستم و نظام مدیریتی است. چه در دورهٔ شاه و چه بعد از انقلاب و چه در دورهٔ کنونی، سیستم مدیریتی تا اندازه‌ای منجر به دوری از مسایل علمی شده است و این با روحیهٔ اندیشمندان سازگار نیست. در سیستم مدیریتی همچنین یک نوع رابطهٔ اطاعت کردن و امر دادن وجود دارد که این هم مزید بر علت می‌شود و با استقلال علمی منافات دارد.

ثانیاً در سیستم سیاسی و حتی در مبارزات سیاسی اصولاً چه در دوره قبل و حتی در دورهٔ بعد از انقلاب نقش تکنوکرات‌ها بیش از گروه‌های فعال علمی اهمیت دارد و بیشتر آنها را می‌پسندند. در شرایط کلی این را مطرح می‌کردند که هر کس بتواند آنی مشکل اداره و نظام را حل کند، جلوتر است، در صورتی که کارهای دانشگاهی مخالف این شیوه هستند و معتقد بودند زیربنای فکری ضروری‌تر است. بنابراین خود نظام هم جامعهٔ علمی به خصوص در رشتهٔ جغرافیا را مورد بی‌مهری قرار داده است. بسیاری از همکاران ما در این عرصه وارد شدند از جمله در طرح کالبد ملی، در برنامه‌ریزی وزارت مسکن و شهرسازی و... ولی بعدها به آنها بی‌مهری و ناسپاسی شد. شاید عدم مشارکت دکتر شکویی در امور مدیریتی و اجرایی ناشی از این مسائل باشد.

دکتر حاتمی‌نژاد: مقوله برنامه‌ریزی شهری یک دانش میان رشته‌ای و متشکل از جغرافیا، اقتصاد، سیاست، حقوق، معماری، شهرسازی، عمران و جامعه‌شناسی است. آن قسمتی که مربوط به جغرافیا می‌شود توسط دکتر شکویی در مدت ۳۰ سال گذشته به خوبی حمایت شده است. ایشان ثابت نموده‌اند که در برنامه‌ریزی‌های فضایی و شهری، می‌توان از جغرافیا استفاده کرد. اساتیدی چون مرحوم دکتر مجتهدی در اصفهان و خود دکتر نظریان مطالب زیادی در رابطه با شهرها نوشته‌اند. به طور مشخص در جلد دوم کتاب جغرافیای شهری که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دکتر شکویی برای اولین بار صاحب‌نظرانی چون پاتریک گدس (Patrick Geddes) را به برنامه‌ریزی شهری ایران معرفی کرد و بعدها افرادی چون آقای اسماعیل شیمه و دیگران نیز بارها به آن ارجاع دادند. در سال ۱۳۵۳ ایشان کتاب شهرک‌های جدید را نوشتند که در آن بحث شهرک‌های جدید را که همان نوشته‌های امروزی‌اند مطرح کردند و در کتاب محیط زیست شهری مباحثی مربوط به آلودگی هوا و چگونگی کاهش دادن آن را مطرح کردند. بنابراین ایشان در جایگاه خودشان به خوبی توانسته‌اند از دانش جغرافیا، به عنوان یکی از بخش‌های تشکیل‌دهندهٔ برنامه‌ریزی شهری دفاع کنند و آن را به جامعه بشناسانند.

در مورد سؤال دوم بایستی عرض کنم، نظرات متفاوت است، زمانی من از ایشان پرسیدم که چرا در کارهای پژوهشی و طرح‌های ملی خیلی مشارکت نمی‌کنند، ایشان فرمودند، من کارهای دانشگاهی را ترجیح می‌دهم. ایشان یک نگاه انتقادی به همکارانی که در کارهای اجرایی وارد می‌شدند داشتند، معتقد بودند چون در مرحله گذار هستیم، باید نظریه‌ها و مکاتب و اندیشه‌های جدید جغرافیا را از کشورهای خارجی برای جامعهٔ جغرافیادان ایران معرفی کنیم. شاید پرداختن به مسایل تئوری مانع از این شده بود که ایشان به کارهای اجرایی وارد شوند. دکتر شکویی سود خود را مدنظر نداشتند و سوداگری را در جغرافیا نمی‌پسندیدند و می‌گفتند ما برای خود علم جغرافیا باید تلاش کنیم و چون دیدگاه انسان‌گرایی داشتند به دنبال مال و اموال نبودند.

آقای کیومرث ایراندوست: برنامه‌ریزی بر یک شناخت استوار است و این شناخت به انسان



دکتر شایان:
از ویژگی‌های بارز دکتر شکویی، روحیه لطیف انسانی و عشق و علاقه ایشان به انسان بود. این عشق و علاقه به انسان همچون یک رشته مستحکم تمام نظریه‌ها، تئوری‌ها و نوشته‌های استاد را به هم پیوند می‌دهد

امکان می‌دهد تا برنامه‌ای را برای یک مسأله ارائه کند، این شناختی که برای برنامه‌ریزی شهری لازم است، دو جنبه دارد: ۱- ابزاری که ما می‌خواهیم به وسیلهٔ آن برنامه‌ریزی کنیم، اینکه علم جغرافیا ابزار ما باشد. ۲- شناخت آن موضوع که می‌خواهیم برای آن برنامه‌ریزی کنیم.

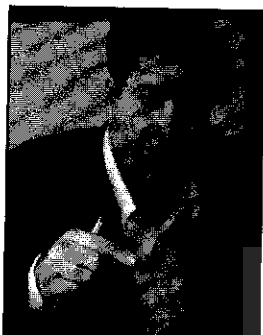
در هر دو زمینه که ذکر شد، دکتر شکویی سهم به‌سزایی دارند. هم در شناساندن موضوعات و هم در کاربردی کردن جغرافیا و فلسفه جغرافیا. در زمینه اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی که مورد علاقهٔ خود من نیز هست،^۷ ایشان پیشتاز بودند و بسیاری از شهرسازان و جامعه‌شناسان و جغرافیادانان در برداشتها و نوشته‌های علمی خود به نوشته‌های دکتر شکویی ارجاع می‌دهند. مباحثی که در این زمینه به خصوص در رابطه با عدالت اجتماعی و حاشیه‌نشینی مطرح می‌کردند بسیار جالب و در عین حال مملو از نوآوری است. اساتید بزرگی چون دکتر پرویز پیران، دکتر مظفر صراف و سایر بزرگان در بحث‌های مرتبط؛ شهرسازی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری به آثار دکتر شکویی استناد می‌کنند و به نظر من سهم ایشان در کشاندن جغرافیا به سمت برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای کاربردی بسیار زیاد است.

دکتر سیاوش شایان: روی صحبت بنده با دکتر شکویی نیست، ولی به نظر من مشارکت در مسایل برنامه‌ریزی و طرح‌های تحقیقاتی ملی فرصت بسیار خوبی برای دانشمندان و علاقه‌مندان به علم است. وقتی در جریان کار به طور مستقیم یا محیط و اجرا درگیر می‌شوید، به بسیاری از ضعف‌های تئوری‌ها می‌توانید پی ببرید. متوجه می‌شوید در عالم واقع با پارامترهای دیگری نیز روبه‌رو هستید، کار در اندیشه و تئوری چندان به آن توجه نشده است، چون مسایل جغرافیا ترکیبی و پیچیده‌اند و در دنیای ذهنی و اندیشه نمی‌توان به همه آنها پاسخ داد. لذا اگر در کنار کار پژوهشی - دانشگاهی شغل اجرایی را نیز تجربه کنید به واقعیات بیشتری پی می‌برید. البته این کار مشکل است و به نظر می‌رسد راحت‌طلبی باعث شده وارد مباحث اجرایی نشویم. به عقیده من ورود به اجرا شجاعت می‌طلبد ولی به رفع ضعف تئوری‌ها کمک می‌کند، به طوری که می‌توان نظریه‌ها را دوباره اصلاح کرد. محیط از عناصر مختلفی تشکیل شده و هنگام برنامه‌ریزی با مسایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیاری برخورد می‌کنیم. دکتر شکویی در کتاب جغرافیای کاربردی خود راه‌های کاربردی کردن نگرش جغرافیایی در برخورد با این پارامترها را پیشنهاد می‌کند.

آقای بوچانی: همگی می‌دانیم، وقتی مطلبی نوشته می‌شود، نویسنده به هر صورت تحت تأثیر یک اندیشه، پارادایم، و یا مکتب خاصی است و اگر حتی به طور کامل وابسته به آن مشرب فکری نباشد، حداقل به آن نیم‌نگاهی دارد. دکتر شکویی از زمان ورود خود به عرصه جغرافیا به هر صورت تحت تأثیر شرایط تاریخی و مکانی و سیاسی آن دوران نگاهی به جبرگرایی داشته و سپس در آثار بعدی خود بیشتر به معرفی اندیشمندان مکتب امکان‌گرایی علمی (Pragmatic Possibilism) می‌پردازد. پرسش بعد که شایسته است به آن پرداخته شود این که نوشته‌های دکتر شکویی تحت تأثیر چه مکتب و اندیشه‌ها و چه اندیشمندانی قرار داشت و چرا؟

دکتر نظریان: دکتر شکویی بیشتر تحت تأثیر افکار و نظریات رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی جامعه بودند مثلاً کتاب عدالت اجتماعی و شهر دیوید هاروی با نظریات ایشان خیلی هماهنگی داشته است. ولی ایشان بُعد اقتصادی مسایل را به تنهایی در نظر نمی‌گرفتند و به بُعد اجتماعی و سیاسی قضایا نیز توجه می‌کردند. از بررسی آثار ایشان ما نمی‌توانیم به این نتیجه برسیم که ایشان روی یک تئورسین یا مکتب خاصی نظر بیشتری داشته‌اند.

دکتر شکویی اگرچه به اندیشه‌ها و تفکرات سوسیالیسم استناد می‌کند، اما هیچ‌گاه از نظام‌های سوسیالیستی در کشورهای کمونیستی دفاع نمی‌کند. از آنجا که تفکرات



آقای بوچانی:

دکتر شکویی از زمان ورود خود به عرصه جغرافیا به هر صورت تحت تأثیر شرایط تاریخی و مکانی و سیاسی آن دوران نگاهی به جبرگرایی داشته و سپس در آثار بعدی خود بیشتر به معرفی اندیشمندان مکتب امکان‌گرایی علمی (Pragmatic Possibilism) می‌پردازد

سوسیالیست‌ها و نظام‌های سوسیالیستی عدالت‌خواه و عدالت‌گستراند و مخالف نابرابری می‌باشند، دکتر شکویی این تفکرات را قبول داشتند.

دکتر شکویی هیچگاه فرصت نکردند تا دربارهٔ مسایل جدیدی که در دنیا مطرح شده است نظرات خود را اعلام کنند. شاید دست نوشته‌ها و مطالبی را که در مورد جهانی شدن و مسایل و عواقب مربوط به آن داشتند، در آینده بیشتر نمایان شود. در حقیقت نظریات دکتر شکویی تلفیقی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود که می‌توانست سیاست کشور، سیاست ملی و جهانی را نشان دهد.

دکتر حاتمی‌نژاد: به نظر من دکتر شکویی تحت تأثیر رادیکالیسم بودند و تمام مکتب‌هایی که در این جهت حرکت می‌کردند در آثار و کتاب‌های ایشان ترویج شده‌اند. شخصیت ایشان تحت تأثیر بزرگترین جغرافیادان نیمه دوم قرن ۲۰ یعنی دیوید هاروی از مکتب آنگلساکسون‌ها بود. بارها از کتاب او یعنی تبیین در جغرافیا "۱۹۶۹" صحبت می‌کنند. همچنین از شرایط پست‌مدرنیسم و عدالت اجتماعی و نظریات هاروی تأثیر می‌پذیرند. و از رونالد جانستون (R.J. Johnston) و سایر جغرافیادانان متعلق به مکتب‌هایی مثل سازمان فضایی دفاع می‌کردند. در هر زمینه سعی می‌کردند آن دگراندیشی را که وجود داشته به جغرافیادانان ما بیاموزند، مثلاً کتاب دگراندیشی در جغرافیا را که من ترجمه کرده‌ام^۱ فقط به خاطر حمایت و تشویق دکتر شکویی بوده است. شیفر، فردکورت کتابی نوشته‌اند که در به وجود آمدن یک پارادایم جدید در جغرافیا بسیار مؤثر بود. دکتر شکویی به این نقاط عطف و قله‌های رفیع تفکر بشری بسیار توجه داشتند. یکی دیگر از آثار شیفر، فردکورت، استثنائگرایی در جغرافیا است که در دهه ۱۹۵۰ نوشته شده و این کتاب را نیز من به تشویق دکتر شکویی ترجمه نمودم.^۲



آقای ایراندوست:
تأکید دکتر شکویی بر شناخت پایه‌های اساسی مسایل جغرافیایی در نهایت منجر به جغرافیای کاربردی می‌شود که در آن جغرافیادانان نیز در حل مسایل اجتماعی سهمی را برعهده دارند

به هر صورت به نظر من آقای دکتر در راستای اندیشه انسان‌گرایانه و مردم دوستی که داشتند، طبیعتاً بر شیوه‌ها و روش‌ها و اندیشه‌های سوسیالیستی تأکید می‌کردند، ولی همانطور که دکتر نظریان گفتند منظور از سوسیالیسم در اینجا اجتماعی‌گرایی است نه آن نظام‌هایی که با ماتریالیسم و مسایل دیگر تداخل پیدا می‌کنند. من به خاطر دارم که در دهه ۱۳۶۰ ایشان در دانشگاه مشهد در یک جلسه‌ای در پاسخ به این سؤال که به نظر شما بهترین نظام سیاسی جهان را کدام کشور دارد با شهامت کامل و بدون درنگ فرمودند از نظر من نظام سوئد بهترین نظام سیاسی است، چون تعاونی است، نه خیلی سوسیالیستی افراطی و نه خیلی سرمایه‌داری. این نظام به نظام جمهوری اسلامی هم نزدیک است، چرا که قانون اساسی ما هم روی تعاون قرار دارد و یک نوع عدالت اجتماعی نیز در آن وجود دارد.

تا قبل از کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول) به نظر من ما در یک مرحله پیش پارادایمی بودیم که حتی خود دکتر نیز تحت تأثیر همان نگرش و دیدگاه کورولوژی بودند. ولی کم‌کم زمینه برای یک نوع دگراندیشی فراهم شد و در جلسات پرسش و پاسخ در مجله رشد جغرافیا دکتر شکویی همراه دیگر اساتید روی تعریف جغرافیا بحث‌های بسیار کردند و خیلی از مباحث را بی‌دغدغه و شفاف مطرح کردند که بیشتر از دیدگاه آنگلساکسون‌ها بود.

همانطور که همه ما مطلع هستیم، جغرافیا عمدتاً در آلمان ریشه گرفته است و آن زمان کانت که هم یک جغرافی‌دان و هم فیلسوف بزرگ و هم از پیشگامان مدرنیسم در جهان بود، به پدر استثنائگرایی هم معروف شد.

همچنین الکساندر فن همبلت (Alexander von Humboldt) پدر جغرافیای علمی و کارل ریتز (Carl Ritter) از پیشگامان جبرگرایی بودند. بعدها به دلیل دیدگاه نژادپرستانه‌ای که داشتند موضوع «فضای حیاتی» را مطرح و گفتند چون جامعه ما پرجمعیت است و از لحاظ هوش و ضریب هوشی و تکنولوژی برتر هستیم، بنابراین حق طبیعی ما است که قلمرو خود

را گسترش دهیم و به لهستان و فرانسه حمله کنیم.

در مقابل بعدها مکتب امکان‌گرایی یا "Possibilism" در فرانسه به پیشگامی ویدال دولابلاش (Paul Vidal de Lablache) ایجاد شد که معتقد به ناحیه‌گرایی بودند، یعنی می‌خواستند از قوانین عام و قوانینی که تحت تأثیر داروینیسیم و داروینیسیم اجتماعی هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) بود نجات یابند. چون دارای فرهنگ و تمدن پایداری بودند در ایجاد این مکتب موفق شدند.

تا اینجا دو مکتب مطرح شد یکی در آلمان که جبرگرا است و دوم در فرانسه که بر عنصر اختیار تأکید می‌کند و چون بعد از مکتب جبرگرا به وجود آمد خیلی قابل احترام بود تا حدودی تحت تأثیر مکتب «چشم‌انداز» جغرافیایی (Landscape geography) کارل ساور (Carl Sauer) که در آمریکا مطرح شده بود، هستند. در آلمان هم افرادی مثل السورث‌هانتینگتون (Ellsworth Huntington) پدر جبر اقلیمی یا خانم الن چرچیل سمپل (Ellen Charchill Semple) که جبر فرهنگی را مطرح کردند، فعالیت می‌کردند.

شرایط زمان در جنگ جهانی اول و دوم تغییر کرد و عملاً کشور آمریکا خاستگاه و جایگاه اکثر فیلسوفان و اهل اندیشه و مهد علم و دانش شد.

در دانشگاه شیکاگو مکتب شیکاگو در دهه اول و دوم قرن ۲۰ میلادی مطرح شد. در سال ۱۹۴۵ ادوارد اکرم (Edward Ackerman) نظریه‌های خود را مطرح کرد. هنر دکتر شکویی این بود که خلأ زمانی که در ایران وجود داشت را پر کردند، هرچند که هنوز هم این فاصله وجود دارد. متأسفانه در برخی گروه‌های جغرافیایی ایران نیز هنوز جبر جغرافیایی مورد قبول است و هنوز هم نوع تعدیل یافتهٔ آن به عنوان پتانسیل‌های محیطی در تعیین نوع معیشت انسان‌ها وجود دارد. دکتر شکویی در کتاب آخر خود نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند. هنر ایشان بود که ما را از وابستگی به آن دو مکتب خاص رها کند تا دنیایی غیر از دو مکتب جبرگرایی (determinism) و امکان‌گرایی (Possibilism) را نیز درک کنیم، مثلاً مکتب سازمان فضایی که در آن اصلاً به رابطه انسان و محیط توجه نمی‌شود و به رابطه فضایی، مدل‌های فضایی، فرآیند و ساختارهای اجتماعی و نهادهای اجتماعی توجه می‌کند. دکتر در نهایت خودش اعلام می‌کند که در ساختارگرایی مانده‌اند و قبول داشتند که پس از آن پارادایمی وجود دارد و آن فراساختارگرایی است. دکتر شکویی با توجه به وابستگی شدیدی که به رادیکالیسم داشت و تحت تأثیر دانشمندانی چون دیوید هاروی بودند، نمی‌توانستند خودشان را از آنها جدا کرده و به یک فراپارادایم وارد شوند. اگر بخوایم عادلانه فکر کنیم پس‌اساختارگرایی ناگزیر جای ساختارگرایی را با همهٔ ارزش‌هایش خواهد گرفت و همانطور که می‌دانید در پس‌اساختارگرایی این نهادها و ساختارها و جزییات یک نظام و سیستم است که حرکت و رفتار انسان را تشکیل می‌دهد. از نظر ایشان انسان‌های جهان سومی اسیر و بنده نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و تاریخی سرزمین خودشان هستند و به این دلیل نیز بدبخت‌اند. اگر استبداد شرق را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که رفتار و حرکت انسان در فضا در این محدودهٔ جغرافیایی تحت تأثیر همین نظام‌ها بوده که در آنها فقط نام دموکراسی باقی مانده در حالی که عملاً رویه‌ها عوض نمی‌شود، چون ساختارهای پنهان و نادرستی که مرتون نیز به آنها اشاره کرده، وجود دارد.

بنابراین می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که دکتر شکویی می‌توانستند به فراساختارگرایی نیز وارد شوند، ولی ملاحظاتی باعث شد که ایشان متوقف شوند و این نیز ناشی از بینش رادیکالی ایشان بود چرا که فراساختارگرایی در دورهٔ پست مدرن عمدتاً از سوی مکتب‌های سرمایه‌داری ترویج می‌شد و در آن عنوان می‌شود که دیگر تعلق خاطر به آن فراروایت‌ها وجود ندارد.

آقای بوچانی: دیدگاه دکتر شکویی در رابطه با تعریف جغرافیا در آخرین اثرش تغییر می‌کند



دکتر نظریان:

از جمله تلاش‌های دکتر شکویی
استقلال بخشیدن به علم جغرافیا
در ایران بود. در نگرش‌های
سنتی تا قبل از آن، تاریخ و
جغرافیا یک رشته و شاخه علمی
و تحصیلی بود

و چنین تعریفی از جغرافیا ارائه می‌دهد: «جغرافیا، روابط متقابل میان انسان و محیط و یا انسان و مکان را با میانجیگری فرآیندهای نهادی و ساختاری مطالعه می‌کند»^{۱۱} به عنوان پرسش بعدی دیدگاه شما در رابطه با این تعریف چیست؟

دکتر نظریان: قبل از پرداختن به این موضوع نیاز است که اشاره شود، به خاطر ضعف جسمانی دکتر شکویی در اثر کهولت سن ایشان به مراحل نهایی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم نپرداختند، اما در مورد صحبت‌های دکتر حاتمی‌نژاد پیرامون فراساختارگرایی، به این نکته نیز باید توجه کنیم که در دنیای امروز هیچ چیز ثابت نیست و همه چیز متغیر است، حتی مکان‌ها هم دائماً در حال تغییراند. به عنوان مثال ما اکنون با شهرنشینی ديفرانسیل که با شهرنشینی معمولی متفاوت است، سروکار داریم. همه تغییراتی که در دنیا ایجاد می‌شود همگی نتیجه تأثیراتی است که در یک سیستم جهانی اتفاق می‌افتند. دکتر شکویی از این مسایل آگاه بودند، ولی هیچگاه فرصت ابراز نظر پیدا نکردند. به هر صورت من فکر نمی‌کنم که ایشان فارغ از جریان‌های فراساختاری بوده باشند.

در رابطه با تعریف دکتر شکویی از علم جغرافیا به نظر می‌رسد که این تعریف را باید از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. به نظر می‌رسد هیچ وقت تعریف جامع‌تری در جغرافیای ایران پیدا نمی‌شود، ولی به عقیده من جامع‌ترین تعریف در جغرافیا، کوتاه‌ترین تعریف است، نه مفصل‌ترین آن. من همیشه می‌گویم «علم جغرافیا، علم روابط انسان و محیط طبیعی و پدیده‌های ناشی از آن است.» و منظور از پدیده‌های به وجود آمده، پدیده‌هایی اند که ناشی از این رابطه انسان و محیط به وجود آمده باشند.

دکتر شایان: دکتر شکویی همیشه به ما تذکر می‌دادند که بهترین تئوری‌های جغرافیا، جغرافیادانان طبیعی‌اند. آنها باعث قوام و دوام مکاتب فکری جغرافیا شده‌اند. ساختار آن چیزی نیست که تنها با یک کلمه بشود آن را بیان کرد و پشت سر آن مسایل متعددی از نظر اجتماعی، انسانی، اقتصادی، فرهنگی و غیره وجود دارد که انسان و محیط فارغ از آنها نیست. تعریف دکتر شکویی همان تعریف موردنظر ما است و اختلاف‌نظر چندانی با آن نداریم و شاید تعریف ایشان پخته‌ترین تعاریفی باشد که ارایه شده است.

آقای بوچانی: جناب آقای ایراندوست شما با توجه به مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه اسکان غیررسمی دارید، دیدگاه‌تان در رابطه با نوشته‌های حاشیه‌نشینی دکتر شکویی چیست؟ و همانطور که می‌دانید ایشان از نخستین جغرافیادانانی بودند که به این موضوع پرداخته‌اند. دیگران چقدر تحت تأثیر آثار ایشان در این زمینه بوده‌اند؟

آقای ایراندوست: ابتدا نیاز است در ادامه صحبت اساتید گفته شود، به نظر من در آخرین اثر دکتر شکویی رگه‌هایی از تفکرات عصر اطلاعات که تجدیدنظر در شیوه رادیکالیسم نیز محسوب می‌شود وجود دارد. من می‌خواهم بین بحثی که در مورد نگرش دکتر شکویی به رادیکالیسم و سوسیالیسم شد و روحیه انسانی که دکتر شایان درباره ایشان مطرح کردند و توجهی که خود دکتر به سرنوشت اجتماعات انسانی حاشیه‌نشین داشتند، ارتباطی برقرار کنم.

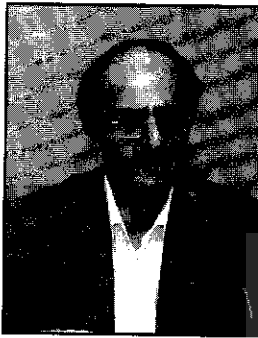
دردوره سرمایه‌داری آنچه که در درون آن علیه خودش عصیان کرد همان گرایش به رادیکالیسم و سوسیالیسم است که در دل نظام سرمایه‌داری پدید آمد. دکتر شکویی به خاطر آنکه احساس می‌کردند راه نجات و بهبود جامعه و سکونت‌گاه‌های انسانی با دیدگاه فوق امکان‌پذیر است، به آن گرایش پیدا کردند. دکتر شکویی در دهه ۱۳۵۰ تحت تأثیر شرایطی که منجر به پدید آمدن حاشیه‌نشینی شده بود با نگرشی زیبا و با جملاتی از آبرامز آن را به تحلیل می‌کشید و بیان می‌کند این گروه و اجتماعات می‌توانند توانمند شوند و سرنوشت خود را به دست گیرند، اما چون برایشان شرایط فراهم نشده است. در شرایط سخت به سر می‌برند. این تفکرات را نخستین بار در ایران به طور روشن از طرف ایشان مطرح می‌شود. در برخی



دکتر حاتمی‌نژاد:

به نظر من دکتر شکویی تحت تأثیر رادیکالیسم بودند و تمام مکتب‌هایی که در این جهت حرکت می‌کردند در آثار و کتاب‌های ایشان ترویج شده‌اند. شخصیت ایشان تحت تأثیر بزرگترین جغرافیادان نیمه دوم قرن ۲۰ یعنی دیوید هاروی از مکتب انگلوساکسون‌ها بود

موارد به دیدگاه‌های ترنر (Ternar) اشاره می‌کنند که نسبت به زمان خود جدید بوده است. هرچند دیدگاه ایشان در رابطه با اجتماعات غیررسمی دیدگاه معمول برخوردار آن زمان با این اجتماعات نبود و یک دیدگاه آکادمیک بود، ولی از همان زمان نگرش ایشان با آنچه که از تریبون رسمی اعلام می‌شد منافات داشت و از همان زمان که نگرش بولدوزری مطرح بود و مهاجرت را می‌کوبیدند، ایشان نگرشی اصلاح‌گرایانه نسبت به این پدیده داشتند. به عبارت دیگر آن نگرش با آنچه اکنون وزارت مسکن و شهرسازی به آن رسیده است بسیار نزدیک است.



دکتر شایان:

امروزه جغرافیا و فضاهای
جغرافیایی تحت تأثیر اقتصاد
سیاسی و عدالت اجتماعی و
ساختارهای اقتصادی‌اند و حتی
به قول خود دکتر شکویی این
عوامل از ایدئولوژی نیز در خلق
فضاهای جغرافیایی مؤثرند

دکتر حاتمی‌نژاد: تعریفی که دکتر شکویی در جلد دوم کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا بیان می‌کنند به اعتقاد من، یک عقب‌نشینی و بازگشت به گذشته بوده است به نظر من تعریف ایشان اشکال دارد و یک تعریف اکولوژیک است و باز هم به رابطه انسان و محیط اشاره می‌کند. وقتی راجع به محیط می‌پرسیم می‌گویند، محیط یعنی وضعیت آب و هوا و اقلیم و... ولی من می‌گویم که می‌توانیم جور دیگری نیز به جغرافیا نگاه کنیم. می‌توانیم بگوییم، که علم جغرافیا، علم ساماندهی فضای زندگی است، بدون اینکه وارد پوشش گیاهی، آب، رودخانه و هوا... شویم. مثلاً دکتر حمصی در سال ۱۳۵۴ در نخستین همایش جغرافیای ناحیه‌ای ایران در مشهد، راجع به توزیع و پراکندگی داروخانه‌های نیویورک کنفرانسی داشتند که برای من بسیار جالب بود، چون ایشان دیگر نه از آبشار نیگارا و نه خلیج فارس و نه از بیلاق و قشلاق گفتند، بلکه از رابطه‌ای که بین سلسله مراتب خدمات‌رسانی بین یک سری پدیده که در فضا وجود دارد بحث کردند. اگر این رابطه را کشف کنیم می‌توانیم بگوییم یک کار بزرگ جغرافیایی انجام داده‌ایم، کاری که کریستالر انجام داده و آن سلسله مراتب خدمات‌رسانی را در آلمان کشف نمود، به جغرافیا یک حیثیت داد که به همین دلیل ویلیام بونج (William Bunge) آمریکایی، کتاب خود به نام جغرافیای نظریه‌ای "Theoretical geography" را به کریستالر که آلمانی است، تقدیم می‌کند. به هر حال با پوزش، من سال‌هاست که ارتداد خود را از جغرافیای سنتی اعلام کرده‌ام. به اعتقاد من جلد نخست کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا بهتر از جلد دوم آن است. در جلد دوم دکتر تحت تأثیر مطالعاتی که کرده بودند، یکباره فراموش کردند، که در کجای تاریخ جغرافیای ایران ایستاده‌اند و چه رسالتی را برای جغرافیادانان و دانشجویان برعهده دارند. بنابراین من با تعریف دکتر و سایر دوستان مخالف هستم و می‌دانم که اگر خود دکتر نیز امروز بودند از این مخالفت خوشحال نیز می‌شدند، چون ایشان علمی بودند و ایشان این نحوه برخورد را به ما آموخته‌اند. تنودور آدرنو می‌گوید: علم نیازمند کسانی است که از قوانین آن سرپیچی کنند.

دکتر نظریان: به نظر من هیچ علمی نمی‌تواند در خودش گسستگی ایجاد کند. ما باید زیرینا را هم در نظر داشته باشیم، اگر توزیع و پراکندگی داروخانه‌ها در یک بحث مطرح می‌شود، حتماً زیربنای جغرافیایی آن نیز مورد توجه است و ما نمی‌توانیم در جغرافیا بدون آن نگرش بنیادین «انسان و محیط» پدیده را تعریف و به تحلیل بکشانیم. چرا که در این صورت ما پایه را نادیده گرفته‌ایم ولی می‌توان با آن اصول، مفاهیم ذکر شده دیگر در جغرافیا را تحلیل کرد.

دکتر حاتمی‌نژاد: همان گسستگی که دکتر نظریان مطرح نمودند یک نوع پارادایم جدید است و همان حرکت تکاملی تاریخ است که پارادایم گذشته فقط پاسخگوی نیازها و تمنیات قبلی است، ولی نیازهای جدیدی که مطرح می‌شود یک پارادایم و یک علم جدید باید بتواند آن را پاسخ دهد و مورد قبول اکثر پیروان آن هم باشد. مثلاً حرفی که دیوید هاروی زده است همیشه مورد استناد روان‌شناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و... است که در سطح جهان به آن ارجاع می‌دهند ولی حرفی که تیلور و سایر جغرافیادانان سنتی گفته‌اند، مورد ارجاع هیچ کس نیست چون در قالب یک تفکر انسان محیطی بوده که انسان را به نوعی برده طبیعت

می‌دانستند و مادر انسان را زمین می‌دانستند. ما هیچ وقت نمی‌توانیم رابطه انسان و محیط را بررسی کنیم، چون محیط مرکب است، مثلاً از اقلیم، خاک، آب و... تشکیل شده و پرداختن به هر کدام از اینها پیچیده است و ما ناگزیریم عوامل مؤثر در ساماندهی فضا را درک کنیم و قوانین را کشف و ساختارها را کالبدشکافی کنیم.

آقای بوچانی: سوال دیگری که مایلیم از اساتید حاضر بپرسیم این است که بهترین و مؤثرترین اثر دکتر شکویی را کدام اثر می‌دانید؟

دکتر نظریان: به اثرات یک نویسنده باید از نگاه تخصصی همان گرایش نگاه کرد ولی به نظر من آخرین کتاب ایشان با عنوان اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم مهم‌ترین و پخته‌ترین اثر ایشان است. چرا که ایشان به نظر می‌رسد در زمان تألیف کتاب به درستی نظریات و تئوری‌ها را احساس و لمس کرده است.

دکتر شایان: من هم معتقدم چون عامل گذر زمان سبب پختگی اندیشه می‌شود آخرین کتاب ایشان بهترین اثر ایشان است و می‌توان بیان کرد آخرین اثر هر اندیشمندی، چون حاصل تجربیات و مطالعات بیشتر است کامل می‌نمایند.

آقای ایراندوست: واقعیت این است من از دو جلد کتاب فلسفه جغرافیای دکتر شکویی بسیار بهره گرفته‌ام و بر روی نگرش‌های من هر دو جلد تأثیرگذار بوده‌اند.

آقای بوچانی: آقای دکتر حاتمی‌نژاد شما در پایان نامه دکتری خویش، ساختار اجتماعی و فضایی مثل عدالت اجتماعی و شهر را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اید، آیا این ساختارهای اجتماعی همان چیزی نیست که در تعریف آقای شکویی آورده شده است؟
دکتر حاتمی‌نژاد: بله، ولی در آن اثر، با طبیعت به عنوان یک متغیر مستقل برخورد می‌شود و تفاوتش با دیدگاه‌های سنتی نیز همین بوده است.

آقای بوچانی: آخرین پرسشی که می‌توان مطرح کرد این است که چرا دکتر شکویی در سال‌های پایانی عمرشان در زمان راهنمایی رساله‌های دکترای بیشتر به موضوعات اقتصاد سیاسی، عدالت فضایی علاقه نشان می‌دادند؟

دکتر نظریان: عدالت اجتماعی و اقتصاد سیاسی دو مسئله مهم تأثیرگذار بر جهان‌اند، حکومت‌ها و سیستم‌های اقتصادی، نظام‌های اقتصادی تحت تأثیر این دو مکتب بوده‌اند و این نگرش‌ها به پایداری و توسعه پایدار و کشف حقایق فضاها کمک بیشتری می‌کردند.

دکتر شایان: اقتصاد در جهان امروز حرف اول را می‌زند و در شرایط کنونی اقتصاد تحت تأثیر گروه‌های سیاسی است و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و سیاست بر پایه اقتصاد و برنامه‌ریزی اثر گذارند. از طرف دیگر اقتصاد پایه سیاست‌ریزی فضاها است، همه ملت‌های جهان تصمیمات خود را بر اساس منافع اقتصادی خود وضع می‌کنند و این وضعیت فضا، محیط زیست و ارزش‌های انسانی را به هم می‌ریزد، به این دلایل این مفاهیم مورد توجه دکتر شکویی قرار می‌گیرند، و لذا امروزه جغرافیا و فضاها جغرافیایی تحت تأثیر اقتصاد سیاسی و عدالت اجتماعی و ساختارهای اقتصادی‌اند و حتی به قول خود دکتر شکویی این عوامل از ایدئولوژی نیز در خلق فضاها جغرافیایی مؤثرند.

دکتر حاتمی‌نژاد: همان طور که کاستلر و هاروی و حتی خود دکتر شکویی اشاره می‌کنند، خود فضا که مقوله مورد مطالعه جغرافیا است عمدتاً یک تولید اجتماعی - اقتصادی است و جدا از این روابط و مناسبات اقتصادی هیچ فضایی شکل نمی‌گیرد، به این دلیل این عوامل به درستی مورد تأکید استاد قرار می‌گیرند. آخرین فرمایش ایشان این بود که سرکلاس‌های فلسفه جغرافیا حتماً باید دانشجویان با دیدگاه اقتصاد سیاسی، فلسفه سیاسی و نظریه‌های اجتماعی آشنا شوند.

در مجموع دکتر شکویی استادی عالیقدر، متواضع، انسان‌گرا و علمی بودند و اگر نگوییم که بی‌بدیل بوده‌اند کم‌نظیر بودند. ایشان یک الگوی تمام عیار استاد ایرانی بوده‌اند و به حق

آقای ایراندوست:

دکتر شکویی در دهه ۱۳۵۰ تحت تأثیر شرایطی که منجر به پدید آمدن حاشیه نشینی شده بود، با نگرشی زیبا و با جملاتی از آبرامز آن را به تحلیل می‌کشد و بیان می‌کند: این گروه و اجتماعات می‌توانند توانمند شوند و سرنوشت خود را به دست گیرند، اما چون شرایط برایشان فراهم نشده است، در شرایط سختی به سر می‌برند

چهره ماندگار است.

به قول حضرت حافظ

این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند

حرفی است از هزاران کاندید عبارت آمد

امروز جای هر کس پیدا شود ز خوبان

کان ماه مجلس افروز اندر صدارت آمد

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا از استادان و سروران گرامی که وقت خودشان را در اختیار این مجله گذاشتند و به پاس زحمات و به منظور گرامیداشت سال‌ها تلاش بی‌وقفه علمی و اندیشه‌ها و آثار استاد عالیقدر، مرحوم دکتر شکویی در این نشست حاضر شدند، همچنین از آقای بوچانی که زحمت هماهنگی و برگزاری نشست را برعهده گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در آن زمان رشته تاریخ و جغرافیا در دانشگاه‌های ایران از هم تفکیک نشده بودند و دانشجویان در یک رشته به نام تاریخ و جغرافیا تحصیل می‌کردند.

۲- بیشتر محققان حوزهٔ اجتماعی شهر از عنوان اسکان غیررسمی به جای عنوان حاشیه‌نشین استفاده می‌کنند، چرا که با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی جغرافیایی، ساکنان این اجتماعات در حاشیه نیستند، به عبارت دیگر ساکنان این اجتماعات نه از حیث اقتصادی، نه از حیث اجتماعی و حتی از نظر جغرافیایی و سیاسی در حاشیه نیستند. برای آشنایی بیشتر می‌توان به نوشته‌های روشنگر دکتر پرویز پیران در این زمینه مراجعه کرد.

۳- در آخرین مصاحبه‌ای که در مجله رشد جغرافیا با دکتر شکویی شده است ایشان به رشته‌های جنبی که می‌تواند نظریه‌های اجتماعی و اقتصاد سیاسی را برای ما تبیین کند علاقه نشان داده‌اند و بیان کرده‌اند «به رشتهٔ اقتصاد سیاسی، فلسفه‌های سیاسی و نظریه‌های اجتماعی که امروزه مورد نیاز همهٔ جغرافیادانان است، علاقه‌مندم» (آموزش رشد جغرافیا، ۱۳۸۳، شماره ۶۷، ص ۶۲)

۴- دکتر حسین حاتمی‌نژاد پایان نامه خود را در مقطع دکتری در دانشگاه شهید بهشتی با موضوع عدالت اجتماعی و شهر انتخاب نموده‌اند که نمونه مورد مطالعه آن شهر مشهد می‌باشد. این پایان‌نامه به راهنمایی دکتر مظفر صرافی و دکتر مصطفی مؤمنی و مشاورت دکتر پرویز پیران بوده است.

۵- با اینکه مطالعات حاشیه‌نشینی (اسکان غیر رسمی) دکتر شکویی به سال‌های ۱۳۵۰ برمی‌گردد اکنون بعد از گذشت حدود ۳۳ سال در وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور سند توانمندسازی اسکان غیر رسمی و حاشیه‌نشینی در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت دولت تصویب شده است.

۶- در این جا نیاز به ذکر است که در کتاب‌ها و نوشته‌های آخر استاد، اندیشه او به طور جد تحت‌تأثیر نگرش‌های دیوید هاروی جغرافیادان رادیکالیسم است و در نوشته‌هایش بارها به کتاب عدالت اجتماعی و شهر دیوید هاروی اشاره می‌کند. و همچنین دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی، عدالت فضایی را به طور جدی مورد توجه قرار می‌دهد.

۷- آقای کیومرث ایراندوست پایان‌نامه دکتری خود را در دانشگاه شهید بهشتی در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در رابطه با اسکان غیررسمی در شهر کرمانشاه انتخاب کرده است. این پایان‌نامه به راهنمایی دکتر مظفر صرافی و دکتر مصطفی مؤمنی و مشاورت دکتر پرویز پیران در حال اتمام است، آقای ایراندوست در این زمینه چند مقاله نیز به چاپ رسانده‌اند.

۸- این کتاب هم اکنون زیر چاپ می‌باشد، و به زودی توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ خواهد شد.

۹- این مقاله در مجله علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳، ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است.

۱۰- شکویی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های

جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، زمستان ۱۳۸۲، صفحه ۲۸۷.